

هدف کلی : آشنایی با باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب

اهداف جزئی : سکولاریسم و رویکرد دنیوی - اومانیسم و اصالت انسان دنیوی - روشنگری و علوم جدید

مفاهیم اساسی : سکولاریسم - سکولاریسم آشکار - سکولاریسم پنهان - اومانیسم - هنر قرون وسطی - هنر مدرن - ادبیات مدرن - حقوق انسانی در فرهنگ دینی - حقوق بشر بر مبنای اندیشه اومانیستی - اعلامیه حقوق بشر - روشنگری - معرفت شناختی فرهنگ معاصر غرب - جهان متجدد - روشنگری در معنای عام - روشنگری در معنای خاص - دئیسم - عقل گرایانه - حس گرایانه - دانش ابزاری - بحران معرفت شناختی - شناخت حسی - شناخت عقلی - شناخت شهودی .

معانی لغات درس :

لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی
تمثیل	مثل - تشبیه کردن	اصالت	اصیل بودن	مکاشفات	کشف کردن
شالوده	اساس - پایه	کانون هستی	مرکز هستی	مشاهدات الهی	حضور در برابر خدا
صرفا این جهانی	فقط این دنیا	وجود مقدس	پاک و منزه	منعکس	نمایان - پایدار
رویکرد	نگرش - توجه	متعالی	بلند و عالی	مبتنی	بر اساس - بر پایه
ابعاد	جمع بعد	کرامت	جوانمردی و بخشندگی	فطرت الهی	*
گزینشی	برگزیده - انتخاب	حیاتی حیوانی	زندگی حیوانی	تمایلات طبیعی	میل مادی
انکار	نپذیرفتن	تصرف	اشغال - تسلط	هواهای نفسانی	میل و خواهش نفسانی
نفی	رد کردن	بروز	آشکار	اظهار	ابراز - اعتراف
پروتستانتیسم	*	اسوه	الگو - سرمشق	نفس پرستی	مطیع نفس
هدف مستقل	هدفی جداگانه	هاله	*	قالب	شکل
توجیه	موجه ساختن	قداست	پاکیزگی و پاکی	زمره	دسته - مقوله
جهانبینی	*	ادبیات پست مدرن	*	انسان مدرن	انسان متجدد
دنیاگرایان	دوست داشتن دنیا	سلوک	روش - رفتار	رسمیت	رسمی بودن
مساوات	برابری	نهایت	پایان - انجام	شرافت	بزرگواری
احیا	زنده	کرامت ذاتی	*	نقطه قوت	رشد
تکریم	احترام	حیثیت	اعتبار	منشا	مبدا - سرچشمه
تناقض	ناسازگار - متضاد	علت غایی	مقصود اصلی	ارتجاعی	محافظه کار
اشرف مخلوقات	*	دامن گیر	گرفتار	کورکورانه	نسنجیده
اغراق	افراط - زیاده روی	مفاهیم نسبی	مفهومومی که ثابت نیست	الهامات فطری	رسیدن به حقیقت
شهوات	میل و آرزو	سلب	گرفتن - برداشتن	وجه مشترک	نقطه مشترک
سده	صد سال	عقل گرایانه	*	حس گرایانه	تجربه گرایی
افول	زوال و نابودی	بحران	نا آرامی - خطر	امور محسوس	امور قابل مشاهده
قضایا	اثبات تئوری	شهود	دریافت - کشف	خدادادی	بخشش الهی

* **پروتستانتیسم**: شاخه ای از مسیحیت است که مبانی آن نخستین بار توسط مارتین لوتر مطرح شد. پروتستان ها امروزه بیشتر در شمال اروپا و آمریکای شمالی سکونت دارند. پروتستان در زبان فرانسه به معنی معترض و مخالف سرسخت است و به این دلیل به پیروان مکتب دینی پروتستانتیسم اطلاق می شود که آنها در مقابل شماری از قوانین کلیسای کاتولیک روم ایستادند. (منبع: ویکی پدیا)

* **جهانبینی**: مجموعه عقاید ف باورها و تصورات یک مکتب دینی، فلسفی، یا سیاسی که در باره پدیده ها، جهان، انسان و جایگاه او در جهان هستی و یا در جامعه و در تقابل با مسائل اجتماعی ارائه می دهد.

* **اشرف مخلوقات** - برترین موجودی که خداوند آن را خلق کرده است.

* **هاله**: دایره نورانی که گاه گاه گرداگرد ماه ظاهر می شود.

* **ادبیات پست مدرن**: ادبیات پست مدرن ادبیاتی است که مشخصه آن تکیه شدید بر روش های مانند ازهم گسیختگی، تناقض، و روایت های سؤال برانگیز است. این ادبیات (هر چند نه منحصرأ) ولی اغلب به عنوان یک سبک یا روند تعریف شده است که در دوران پس از جنگ جهانی دوم پدید آمده است. آثار پست مدرن به عنوان یک واکنش در برابر تفکر روشنگری و رویکرد مدرنیستس در ادبیات مدرنیست به وجود آمده اند. از سبک های مطرح در ادبیات پست مدرن، فراداستان است. در این شیوه نویسنده با الهام از تکنیک فاصله جریان سیال ذهن است بر متن حاکم است. ادبیات پست مدرن یک سبک خاص نیست و به عنوان ادبیاتی که زاده یک عصر یا به قول ژان فرانسوا لیوتار، وضعیت پست مدرن است، دارای چندین مکتب ادبی است، از جمله مکتب یا جنبش بیت، مکتب سانفرانسیسکو، مکتب کوهستان سیاه، شعر پرفورمنس یا شعر اجرایی و مکتب شعر زبان (منبع: ویکی پدیا)

* **کرامت ذاتی**: این نوع کرامت عام است و همگی انسانها اعم از زن و مرد، مومن و کافر و... را شامل می شود و بیانگر صفت رحمانیت خداوند است. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله اند. (منبه اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ص ۳)

* **عقل گرایانه**: تکیه بر اصول منطقی و عقلی در اندیشه و رفتار.

* **فطرت الهی**: خداوند فطرت و نهاد انسان را با معرفت و شناخت خویش آمیخته و قرین ساخته است، اگر انسان به این فطرت باز گردد خود به خود خدا را می شناسد و درک می کند.

..... مقدمه صفحه ۳۷

● استفاده از تمثیل در علوم اجتماعی به منظور شناسایی و معرفی پیچیدگی ها و ظرافت های زندگی فرهنگی و اجتماعی انسانهاست. و آنها را با چیزهای آشناتری تشبیه می کنند.

● **تشبیه فرهنگ به انسان**: عقاید و ارزش ها مانند روح و هنجارها و نمادها مانند جسم انسان است.

● **تشبیه فرهنگ به ساختمان**: عقاید و ارزش ها مانند پی و شالوده ساختمان و هنجارها و نمادها مانند اجزای ساختمان.

● **تشبیه فرهنگ به درخت**: عقاید و ارزش ها مانند ریشه درخت و هنجارها و نمادها مانند شاخ و برگ های درخت.

● **عمیق ترین لایه های هر فرهنگ**: عقاید و ارزش های بنیادین آن است که به سوالات: هستی شناسانه، انسان شناسانه و معرفت شناسانه پاسخ می دهد.

● **فرهنگ غرب**: در پنج قرن اخیر اروپا کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی بوده است که آن را به نام فرهنگ جدید غرب می شناسیم که هنجارها، رفتارها و نمادها ی مختلف غرب ریشه در عقاید و ارزش های بنیادین این فرهنگ دارد.

● **عقاید و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب :** سکولاریسم ، اومانیسم و روشنگری است .

..... صفحه ۳۸ **سکولاریسم و رویکرد دنیوی**

● **سکولاریسم :** پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش های هستی شناسانه است یا پاسخ به جهان بینی فرهنگ معاصر غرب است به عبارتی به سوالاتی که انسانها مربوط به جهان هستی دارند پاسخ می دهد .

● **سکولاریسم** به معنی **رویکرد دنیوی و صرفاً این جهانی** است . در این رویکرد همه ظرفیت های و استعداد های انسان متوجه اهداف دنیوی می شود بدین ترتیب ابعاد معنوی و دینی انسان به فراموشی سپرده می شود یا بخشی از استعدادهای معنوی انسان به صورت گزینشی که در خدمت نیازهای و اهداف دنیوی است انتخاب می کند . بر اساس این تعریف از سکولاریسم می توان گفت سکولاریسم دارای دو نوع **آشکار و پنهان** است .

● **سکولاریسم آشکار :** باورها و فلسفه هایی را شامل می شود که آشکارا ابعاد غیر مادی جهان هستی را نادیده می گیرد .

● **سکولاریسم پنهان :** باورها و فلسفه هایی را شامل می شود ابعاد معنوی جهان هستی را انکار نمی کند بلکه بخشی از آن را که در خدمت این جهان و اهداف دنیوی و نیازهای مادی انسان باشد را مورد توجه قرار می دهد و از دیگر بخش های معنوی خودداری می کند . این نوع رویکرد جهان غرب باعث به وجود آمدن نهضت های جدید دینی در غرب شده است که از آن به **پروتستانتیسم** یاد می شود .

● **مقایسه توجه به دنیا در دو فرهنگ دنیوی و دینی :** توجه به دنیا در **فرهنگ معنوی** هدفی مستقل نیست بلکه **وسیله ای** است که در خدمت اهداف معنوی انسان قرار می گیرد . و اگر افرادی درون این فرهنگ به رفتار دنیوی پردازند برای آن توجیه دینی می آورند . (مثل : کسانی که برای امرار معاش خانواده و یا رفع فقر در جامعه تلاش می کنند کار آنها قابل ستایش است و همچون جهاد در را خدا محسوب می شود) . اما توجه به دنیا در فرهنگ دنیوی هدفی مستقل است و سکولاریسم در این فرهنگ به صورت جهان بینی غالب در آمده است به گونه ای که دین داران برای رفتارهای دینی خود توجیه دنیوی می آورند . (مثل : مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن)

گفتگو کنید :

..... صفحه ۳۹

۱- پیش از این ، رفتار دنیاگرایی که در جهان معنوی و دینی زندگی می کنند و دین دارانی که در جهان سکولار زندگی می کنند با هم مقایسه شده است . با تأمل در این مقایسه ، در باره نقش فرهنگ غالب در جهت گیری افراد گفتگو کنید .

جواب : صفحه ۳۹

در فرهنگ سکولار دینداران برای رفتار خود توجیه دنیوی دارند اما در فرهنگ معنوی دینداران برای رفتار خود توجیه معنوی دارند .

۲- آیا عقاید و رفتارهای دینی ، آثار دنیوی ندارند ؟ **جواب :** آثار دنیوی هم دارند . و آیا بیان آثار دنیوی آنها اشکالی دارد ؟ **جواب :** خیر . در چه صورت پرداختن به آثار دنیوی عقاید و رفتارهای دینی مشکل ساز می شود ؟ **جواب :** در صورتی که دین فقط از نظر مادی مورد توجه قرار گیرد مثلاً قصد ما از روزه گرفتن فقط سلامتی بدن باشد نه نزدیک شدن به خدا و اطاعت از دستورات الهی .

..... صفحه ۳۹ تا ۴۱ **اومانیسم و اصالت انسان دنیوی**

- یکی از اساسی ترین پرسش های بشری ، پرسش از چیستی و کیستی بشر است .
- **اومانیسم** : مهم ترین ویژگی **انسان شناختی** فرهنگ معاصر غرب است به معنای اصالت دادن انسان دنیوی و این جهانی است
- **اومانیسم** از نتایج منطقی **سکولاریسم** است .
- در فرهنگ اسلام در مرکز کانون هستی **وجود مقدس و متعالی** است (خداوند سبحان) و هیچ موجود در برابر خداوند اصالت ندارند بلکه همه موجودات از جمله انسان **آیت و نشانه خداوند** هستند . **انسان** در بین سایر موجودات برترین آیت و نشانه خداوند است و خلیفه خدا بر روی زمین است .
- بر اساس آیات قران انسان هنگامی به **کرامت و خلافت** می رسد که به این دنیا و جهان محدود نشود و به خداوند نزدیک شود چراکه اگر انسان به این دنیا محدود شود گمراه شده و حتی زندگی او از حیوانات هم پست تر می شود .
- انسان بخشی از جهان هستی است و انسان شناسی هر فرهنگی متناسب با هستی شناسی آن فرهنگ است .
- در فرهنگ غیر توحیدی انسان صرفا موجودی دنیوی و این جهانی است و بدون اجازه خداوند می تواند هر نوع دخل و تصرفی بر جهان و دیگر موجودات داشته باشد .
- **تاثیر اومانیسم بر بخش های مختلف فرهنگ معاصر غرب** : بر هنر ، ادبیات و حقوق .
- **مقایسه هنر قرون وسطی با هنر مدرن غرب** : در دوره قرون وسطی نقاشان چهره انسان های اسوه (حضرت مریم و حضرت مسیح) در حاله ای از قداست ترسیم می کردند . اما در دوره مدرن هنرمندان بر زیبایی های بدنی و جسمی متمرکز هستند . (هنر قرون وسطی به بعد معنوی انسان توجه داشت و هنر مدرن به بعد جسمانی انسان توجه دارد)
- **ادبیات مدرن** : به سلوک های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجهی ندارد بلکه حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره و دنیوی نمایان می کند به همین دلیل رمان در غرب بیشترین اهمیت دارد .
- **حقوق بشر** : در فرهنگ دینی حقوق انسانی بر اساس فطرت الهی است اما در اندیشه اومانیستی بر اساس خواسته ها ، عادات و تمایلات مادی و طبیعی است .
- **مقایسه تمایلات و عادات طبیعی و نفسانی در دو فرهنگ دینی و اومانیستی** : در فرهنگ های دینی افرادی که تابع تمایلات نفسانی هستند یا آن را آشکار نمی سازند و یا آن را در قالب مفاهیم دینی پنهان می کنند مانند فرعون که تابع تمایلات و خواسته های نفسانی بود و از دیگران می خواست که از وی تبعیت کنند . در این حالت او مجبور بود خود را از دسته خدایان معرفی کند تا بتواند موقعیت و رفتار ظالمانه خود را توجیه کند . (**من پروردگار شما هستم**) اما انسان مدرن در اندیشه امانیستی خواسته های دنیوی خود را بدون آنکه نیازی به توجیه الهی داشته باشد آن را به رسمیت می شناسد .

مقایسه کنید

صفحه ۴۲

تفاوت حقوق بشر را در دو فرهنگ دینی و سکولار بیان کنید .

جواب : در فرهنگ دینی حقوق انسانی بر اساس فطرت الهی است اما در اندیشه اومانیستی بر اساس خواسته ها ، عادات و تمایلات مادی و طبیعی است.

روشنگری و علوم جدید صفحه ۴۲ و ۴۳

- **روشنگری:** مهم ترین ویژگی معرفت شناختی فرهنگ معاصر غرب است و به معنی راه شناخت حقیقت و موانع آن است.
- **روشنگری در معنای عام:** پدیده ای مدرن و متعلق به فرهنگ معاصر غرب نیست بلکه انبیای الهی از دیرباز از این روش برای برداشتن موانع استفاده می کردند یعنی در فرهنگ دینی اسلام برای شناخت حقیقت از سه روش، عقل و وحی و حس و تجربه استفاده می کنند.
- روشنگری در معنای عام اگر با **انسان شناسی** و **هستی شناسی دینی** همراه باشد و از سه روش عقل، وحی و حس و تجربه استفاده کند می تواند **تفسیری دینی و توحیدی از جهان و انسان** ارائه دهد.
- **روشنگری در معنای خاص:** پدیده ای مدرن و متعلق به فرهنگ معاصر غرب است. روشی است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه است و در طی چهارصد سال از گذشت فرهنگ معاصر غرب شکل های متفاوتی پیدا کرده است. اما در هر دوره ای وحی و شهود را نادیده گرفته است.
- روشنگری در سده **هفدهم و هجدهم** میلادی در فرهنگ معاصر غرب رویکردی **عقل گرایانه** داشت.
- روشنگری با رویکرد دنیوی اگر با شناخت عقلی همراه باشد به دلیل اینکه وحی را نمی پذیرد به **دئیسم** منجر می شود. دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه ای برای هدایت بشر ندارد. (**دین بدون شریعت**)
- روشنگری در سده های **نوزدهم و بیستم** بیشتر شکل **حس گرایانه** پیدا کرد. وقتی روشنگری به حس و تجربه محدود شود نوعی **علوم تجربی سکولار** را پدید می آورد. علم تجربی توان داوری در باره عقاید، ارزش ها و آرمان ها را ندارد (چون این پدیده ها نیستند) و فقط به صورت یک دانش ابزاری در خدمت اهداف دنیوی انسان قرار می گیرد.
- از **پایان قرن بیستم** با افول حس گرایی فرهنگ غرب گرفتار **بحران معرفت شناختی** شد. در بحران معرفت شناختی امکان درست یا غلط بودن باورها و اندیشه ها و خوب و بد بودن هنجارها و رفتارها از انسان سلب می شود.

بخوانیم و بدانیم صفحه ۴۳

- امور محسوس مانند **پدیده های طبیعی** را می توان از راه **حس و تجربه** شناخت.
- امور غیر محسوس را نمی توان با روش حس و تجربه شناخت به طور مثال: **قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی** از راه **عقل و استدلال عقلی** مورد شناسایی قرار می گیرد.
- انسان علاوه بر شناخت حسی و استدلال عقلی از **شناخت شهودی** نیز می تواند بهره بگیرد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی حاصل نمی شود. به طور مثال ما بدون مشاهده و استدلال به **غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت** نسبت به دیگران پی می بریم.
- **انواع و مراتب شناخت شهودی:** وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت بشر به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسانها در استفاده از عقل فرا می خواند و حس را به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مورد توجه قرار می دهد.
- علاوه بر حس، عقل وحی نیز از امکانات خدادادی است که بشر برای شناخت جهان هستی آنها را مورد استفاده قرار می دهد. برخی فرهنگها مانع شکوفایی این امکانات به ویژه عقل و وحی می شوند.

مقایسه کنید: صفحه ۴۴

روشنگری

پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دئیسیم	عقل گرایی، نفی وحی	قرون هفدهم و هجدهم
دانش ابزاری	حس گرایی، نفی عقل و وحی	قرون نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه گرایی، نفی تجربه و نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم

تکمیل کنید

..... صفحه ۴۴

فرهنگ توحیدی	فرهنگ معاصر غرب	عقاید و ارزش های بنیادین
معنوی و دینی (دنیا و آخرت)	سکولاریسم	هستی شناختی
خدا محور و مقام خلیفه الهی انسان	اومانیسم (انسان محوری)	انسان شناختی
روشنگری در معنی عام	روشنگری خاص	معرفت شناختی